



Human Assimilation in the Light of the Perspective of Islamic Jurists

Mohsen Saadatjou¹, Seyed Morteza Ghasemzadeh Zawiye^{2*}, Javad Nik Nejad³

1. PhD student of Private Law Department, Ayatollah Amoli University, Mazandaran, Iran.

2. Professor of Private Law Department, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Private Law Department, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 117-130

Article history:

Received: 9 Apr 2023

Edition: 16 Jun

Accepted: 9 Aug 2023

Published online: 4 Sep 2023

Keywords:

Assimilation, Genetic Engineering, The Principle of Obscenity, Rule.

Corresponding Author:

Seyed Morteza Ghasemzadeh Zawiye

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University South Tehran Branch, Private Law Department.

Orchid Code:

0000-0003-2926-1215

Tel:

09131514357

Email:

Dr.qasem_zadeh@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Human cloning is one of the subjects that has raised many challenges from the legal and jurisprudential point of view. The purpose of the present research is to investigate human assimilation from the point of view of Islamic jurists.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: The objections to the human assimilation process are often due to ignorance and prejudices, as well as lack of attention to the technical aspect of the matter from the point of view of genetic engineering and medicine.

Conclusion: By demonstrating the originality of al-Abahah in the principles of Shia jurisprudence, the rule of simulating can be considered as subject to abahah in terms of the primary titles; Because there is no proof of the sanctity of simulation from the sources of the four rulings, and this opinion is almost the same as the fatwa of most of the contemporary jurists.

Cite this article as:

Saadatjou M, Ghasemzadeh Zawiye SM, Nik Nejad J. *Human Assimilation in the Light of the Perspective of Islamic Jurists*. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

شبیه‌سازی انسان در پرتو دیدگاه فقهای اسلامی

محسن سعادت جو^۱، سید مرتضی قاسم‌زاده زاویه^{۲*}، جواد نیک نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آیت‌الله آملی، مازندران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۳۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۱۳

واژگان کلیدی:

همسان‌سازی، مهندسی ژنتیک، اصل اباحه، قاعده لاضرر.

نویسنده مسئول:

مرتضی قاسم‌زاده زاویه

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران جنوب، گروه حقوق
خصوصی.

کد ارکید:

0000-0003-2926-1215

تلفن:

۰۹۱۳۱۵۱۴۳۵۷

پست الکترونیک:

Dr.qasem_zadeh@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: شبیه‌سازی انسان یکی از موضوعاتی است که موجب ایجاد چالش‌های متعددی از نظر حقوقی و فقهی شده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شبیه‌سازی انسان از منظر دیدگاه فقهای اسلامی است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: با در نظر گرفتن دلایل ارائه شده از سوی مخالفان فرآیند شبیه‌سازی انسان، به نظر می‌رسد اغلب مواضع مزبور به واسطه ناآگاهی و پیش‌داوری‌ها و نیز عدم توجه به جنبه فنی موضوع از زاویه مهندسی ژنتیک و پزشکی است.

نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن اصل اباحه در چارچوب اصول فقه شیعه، حکم شبیه‌سازی از جهت عناوین اولیه مشمول اباحه است؛ زیرا هیچ دلیلی از منابع اربعه احکام، مبنی بر حرمت شبیه‌سازی وجود ندارد و این نظر تقریباً با فتوای اکثر فقهای معاصر یکسان است.

۱. مقدمه

جایگزین در اروپا شدند و نوزاد مورد نظر در سال ۱۹۸۹ به دنیا آمد. در همان سال رهنمودهای درمان نازایی به روش جایگزینی توسط کمیته اخلاقی ترسیم شد و برنامه جایگزینی در سال ۱۹۹۰ نهایی و منتشر شد. از آن زمان تا کنون هزاران نوزاد سالم با این روش‌ها و حتی طرق جدیدتر در اقصا نقاط جهان به دنیا آمده‌اند (Johns, 2016, 28-29). در کشور ایران به‌کارگیری علم لقاح خارج رحم به سال ۱۳۶۸ بر می‌گردد. پس از تولد اولین فرزند به روش لقاح آزمایشگاهی در شهر یزد، اکنون مراکز متعددی در کشور در این زمینه فعالیت دارند. پرسشی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که، رویکرد فقهای اسلامی به موضوع همانندسازی انسان چگونه است؟ آیا می‌توان رویه‌ای واحد از میان مواضع فقهای اسلامی استنباط کرد.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، با در نظر گرفتن دلایل ارائه شده از سوی مخالفان فرآیند شبیه‌سازی انسان، به نظر می‌رسد اغلب مواضع مزبور به واسطه ناآگاهی و پیش-داوری‌ها و نیز بی‌توجهی به جنبه فنی موضوع از زاویه مهندسی ژنتیک و پزشکی است. از همان ابتدا و به دلیل نبود آگاهی و درک درست از پدیده همسان‌سازی‌های مصنوعی، منازعات و جنجال فراوانی در میان علمای حقوق، اندیشمندان

تولید مثل انسان همیشه یکی از موضوعات مهم در علم پزشکی محسوب شده است. در این میان، توسل به راهکارهای جایگزین، از دیدگاه مکاتب فلسفی-مذهبی چالش‌هایی را مطرح کرده است. اولین کودک حاصل از لقاح آزمایشگاهی نوزاد دختری به نام «لویس براون» بود که در ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۷۸ در «ولدهام» انگلستان توسط دو پژوهشگر به نام‌های «پاتریک استپتو» و «رابرت ادوارد» و به روش لقاح خارجی رحمی (IVF) و کاشت مجدد جنین در رحم مادرش، متولد شد. موفقیت دیگر در این زمینه تولد یک نوزاد پسر سالم در سال ۱۹۷۹ بود که توسط همین دو محقق گزارش شد. گروه دیگری در دانشگاه ملبورن تحت نظارت دکتر «جان - جانسون» فعالیت خود را در زمینه لقاح آزمایشگاهی شروع کرد و اولین فرزند حاصل از این گروه «کاندیس رد» در ژوئن ۱۹۸۰ متولد شد. گروه سوم در «نورفولک» آمریکا تحت مدیریت دکتر «آندراس» فعالیت می‌کرد که نتیجه تلاش-هایش تولد «الیزابت کار» در سال ۱۹۸۱ بود (Kotlyakov, Velichko, 2017, 111-113).

اولین مورد اهدای تخمک برای تلقیح خارج رحم نیز در سال ۱۹۸۳م از استرالیا گزارش شده است؛ یعنی در این سال بود که «ترانسون» و همکارانش اولین حاملگی را پس از اهدای اووسیت لقاح یافته در آزمایشگاه به بیماری با قاعدگی‌های مرتب، و یک سال بعد، یک مورد حاملگی را در بیماری با نارسایی تخمدان گزارش دادند. اولین بار «کرافت» و «سرحال» حاملگی‌های موفق را با به‌کار بردن پروتکل جایگزین هورمون در فرد گیرنده به انجام رساندند. در سال ۱۹۸۵ «اوتیان» و همکارانش اولین مورد از تولد به روش جایگزینی بارداری (رحم اجاره‌ای) را گزارش کردند. به دنبال این تولد، بحث‌های بسیاری در کشور انگلستان مطرح شد و در نهایت قانون جایگزینی در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید و طبق آن در شرایط خاصی استفاده از رحم جایگزین مجاز شمرده شد. در حال حاضر نیز انگلستان یکی از معدود کشورهای اروپایی است که انعقاد قرارداد جایگزینی در آن تحت شرایطی مجاز است. این بار نیز، «پاتریک استپتو» و «رابرت ادوارد» پس از کشمکش‌های بسیار، بانی نخستین قرارداد رحم

که کودکش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدن، پاداشی بسیار بزرگ معادل آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده است به وی تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیر دادن فارغ شود، فرشته بزرگواری بر پهلو او می‌زند و می‌گوید: اعمال خود را از سر بگیر، به‌درستی که تمامی گناهانت آمرزیده شدند (Verskin, 2020, 21-23).

۴-۵. دیدگاه برخی از اندیشمندان دینی در خصوص همسان‌سازی و پاسخ به شبهات آن

بعضی گمان کرده‌اند شبهه‌سازی انسانی یکی از مهم‌ترین اوصاف خداوند یعنی خالقیت او را نشانه رفته و بدان خدشه وارد کرده است. از آنجا که این مسئله با حکم تکلیفی شبهه‌سازی ارتباط مستقیم دارد پیش از ورود به بیان حکم تکلیفی به طرح این شبهه و پاسخ آن پرداخته خواهد شد.

۵. بحث

۱-۲-۵. تبیین شبههٔ مداخله در خلقت توسط تیم مسئول همسان‌سازی

یکی از پیامدهای احتمالی مهندسی ژنتیک، ایجاد تزلزل در اصل تکلیف و یا مکلف بودن انسان است؛ چون پیش‌بنیاد تکلیف عبودیت است و مسیر عبودیت از مخلوقیت می‌گذرد و انسان تا زمانی که حیات و تمام هستی خویش را مجعول و مخلوق دیگری نداند، بعید است که رفتار عبادانه‌ای داشته باشد. انسان زمانی که نیک می‌نگرد، می‌یابد که هر آنچه او دارد و به او رسیده است، در واقع از آن او نیست؛ بلکه از خالق و معطی اوست و دقیقاً در چنین وضعیتی، کشش عبودیت وجود او را به سمت معبود می‌کشاند. نوک پیکان مهندسی ژنتیک نیز سینهٔ مخلوقیت را نشانه گرفته است و در صورت توفیق تمام عیار، خاستگاه مخلوقیت را عوض خواهد کرد و انسان جای خدا را خواهد گرفت و زمانی که انسان خود را مخلوق آفریدگاری به نام (الله) نیابد، طبعاً عابد او نخواهد شد. با نفی عبودیت، دیگر تکلیف موضوعیت پیدا نمی‌کند و انسان خود را در مقابل نیروی ماورای خودش یعنی خداوند متعال مسئول و پاسخ‌گو نمی‌داند. در این صورت نه‌تنها سبب بسیاری از احکام

دینی، سیاست‌مداران، دیوان‌سالاران، فلاسفه، دانشمندان علوم اجتماعی ابراز شد و هر کس بنا بر درک و فهم خویش به آن انتقادهای فراوانی روا داشته است که مذاقه در آن‌ها آشکار می‌کند که پیش‌داوری‌های زود هنگام انتقادکنندگان امری نارواست. زیرا همیشه برای درک صحیح کمی و کیفی پدیده‌های نو ظهور (فرآیندهای همسان‌سازی)، گذشت زمان ضرورت دارد؛ زیرا مصادیق عینی فرآیندهای نوظهور راهنمای کافی و مناسبی است برای قضاوت، با این تفسیر، در اوایل فرآیند همسان‌سازی، بدلیل عدم مصادیق عینی و ملموس از همسان‌های ایجاد شده، عملاً قضاوت صحیح و یقینی در خصوص الزامات و یا نواهی قانونی و شرعی برای فرآیند همسان‌سازی مقدور و میسر نیست و پیش‌داوری‌های فلاسفه و دیوان‌سالاران شرق و غرب در خصوص پدیده‌های نوپا و جدید که هنوز مصادیق عینی خود را عرضه نکرده‌اند نوعی پیش‌داوری عجولانه و شتاب‌زده تلقی خواهد شد.

۱-۵. تولید مثل در دیدگاه اسلام

قرآن کریم در آیهٔ ۲۲۳ سورهٔ مبارکه بقره می‌فرماید: «نَسَاءُكُمْ حَرِّثُ لَكُمْ...» زنان شما کشتزار شما را پس برای کشت (فرزند صالح) به آن‌ها نزدیک شوید. در اسلام تولید مثل و داشتن فرزند بسیار با اهمیت است و بر همین اساس، سفارش‌های مکرر شده که با زن زایا، کریم الاصل و... ازدواج کنید. بنابراین، فرزندآوری و تولید مثل از اهداف نکاح قلمداد شده است. هم‌چنین ارزش تولید مثل در روایتی از امام صادق (ع) چنین بیان شده است. ام سلمه همسر پیامبر (ص) به ایشان عرضه داشت: ای رسول خدا، مردان همهٔ خیرات را به چنگ آوردند. پس برای زنان چه سهمی است؟ حضرت فرمودند: چنین نیست، زن در هنگام بارداری به منزلهٔ کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جان او در راه خدا جهاد می‌کند، زمانی که وضع حمل می‌کند، مستحق پاداشی می‌شود که به سبب بزرگی آن، هیچ‌کس توان درکش را ندارد و آن‌گاه

بازها و واحدهای حیاتی پیدا نمودند. البته این اقدامی چشمگیر برای انسان است که به‌گونه‌ای مستقیم تأثیر فراگیر در شکل‌دهی حیات بشر در آتیه خواهد داشت، اما این ظرفیت و توانایی علمی انسان‌ها، رابطه زیستی و خلقتی انسان را با خداوند نتوانسته است قطع نماید (Saadeldin, 2022, 252-253).

در هر سه روش شبیه‌سازی، خالقیت خداوند همچنان محفوظ و مستحکم است. دانشمندان علم ژنتیک بدون سلول تخم و قوانین حاکم بر آن و نیز در فقدان یک سلول بالغ از یک عضو دیگر و نقشه ژنتیکی این سلول با تمامی ویژگی‌ها و توانایی‌های آن، نمی‌توانند دست به هیچ کاری بزنند. این‌ها نمی‌توانند سلول تخم را با تمامی اطلاعات فراگیر که دارد و نیز D.N.A سلول هر بافت را با اطلاعات و ظرفیتی که در آن‌ها تعبیه شده است و نیز سلول بنیادی را، ابتدأ و مستقلاً پدید آورند و خلق کنند؛ بلکه با استفاده از فناوری‌های نو و پیشرفته، قادر به کشف قوانین ویژگی‌ها و قابلیت‌های آن‌ها شده‌اند و بر مبنای آن‌ها بازترکیب و برنامه‌نویسی می‌کنند. به‌علاوه دلیل عبودیت انسان در برابر خداوند متعال صرفاً مخلوقیت نیست؛ بلکه عالی‌ترین دلیل و علت عبودیت، شایستگی‌هایی است که در خداوند وجود دارد و از سوی انسان‌ها به درجات گوناگون درک می‌شود، همین‌که فرزندان آدم در میدان جاذبهٔ چنان موجودی قرار گرفتند و آن را دریافتند، تسلیم او می‌شوند و افتخار بندگی و پرستش را به‌دست می‌آورند (Bagheri, Al-ali, 2017, 155-156).

تمرکز انحصاری بر خلقت خداوند در تفسیر و تبیین عبودیت، رابطهٔ انسان و خدا را درست آشکار نمی‌کند. اگر انسان تنها احساس مخلوقیت را در برابر خداوند داشته باشد و خالق را واجد دیگر ویژگی‌ها و کمالات نداند و یا نیابد، در این صورت رابطه و پیوند کاملاً یک‌سویه، انفعالی و از باب جبر خواهد بود و چنین رابطه و پیوندی ارزش معرفتی و تکامل ندارد و مطلوب خالق انسان نیز قرار نمی‌گیرد. انسان به همین جهت، عبودیت را که نتیجهٔ دریافت و معرفت وحدانیت، ربانیت، قاهریت، مالکیت، قیومیت، عالمیت ذاتی در معبودی به نام الله است، سازنده می‌یابد و ده‌ها آیهٔ دیگر که در همهٔ آن‌ها خداوند واجد اوصاف و ویژگی‌های فراوانی معرفی می‌شود و چنانچه درست

فقهی در باب عبادات، حقوق مدنی، حقوق کیفری و جزایی بیان نخواهد شد که فراتر از آن فقه هیچ کارکردی نخواهد داشت؛ چون فقه بر محور تکلیف و مسئول بودن انسان در قبال خداوند می‌چرخد و با تزلزل این محور فقه نیز به تزلزل می‌افتد. اینکه مسیر عبودیت از مخلوقیت و خالقیت می‌گذرد و غرض از افعال و رفتار عابدانه نزدیکی به خداوند می‌باشد، از قرآن کریم به‌روشنی فهمیده می‌شود؛ در سورهٔ مائده آیه ۷۶ می‌فرماید: پیامبر بگو: آیا شما به‌جز خداوند چیزی را که مالک نفع و ضررتان نیست، می‌پرستید؟ و نیز در سورهٔ صافات، آیه‌های ۹۵-۹۶ آمده است. [ابراهیم] گفت: آیا چیزی که به-دست خود ساخته‌اید، شایسته پرستش است؟ درحالی‌که خداوند شما و همه چیز را آفریده است ولی شما نمی‌دانید از این آیات به‌خوبی فهمیده می‌شود که معبود باید خالق، مالک و قادر مطلق باشد، نه مخلوق فقیر و ناتوان (Loike, 2018, 72-73).

۵-۲-۲. پاسخ به شبههٔ مداخله در خلقت توسط تیم مسؤل همسان‌سازی

باید اذعان نمود که پیشرفت و انقلابی که در علم ژنتیک در اواخر قرن ۲۰ به‌ویژه در چهره مهندسی ژنتیک نمایان شده است و شبیه‌سازی موجودات زنده خصوصاً انسان از کارکردهای آن است، به هیچ‌وجه آفرینشی از سنخ آفرینش خداوند در خصوص انسان نیست. البته فعالیت آفرینشگرانهٔ انسانی در طول فعالیت آفرینشی الهی می‌تواند باشد؛ زیرا نتیجهٔ مهندسی و علم ژنتیک، در گرو هستی پیشینی سلول‌های بنیادی و جنسی و نیز بازهای چهار گانه یا نقشهٔ ژنتیک با خواص و قوانین شیمیایی، زیست شیمی و زیستی، به آن‌ها مختص است که هیچ کدام آن‌ها فراوردهٔ دست بشر نیست؛ بلکه در حوزه علم و قدرت آفرینشگرانهٔ خداوند قرار دارد و آنچه که علم امروزین بشر بدان دست یافته است، شناخت قوانین حاکم بر این واحدهای حیاتی است که بازتاب کارکرد و هویت زیستی آن‌هاست. دقیقاً بر مبنای همین شناخت، عالمان و مهندسان ژنتیک توان ایجاد تغییرات و ترکیبات در سلول‌های بنیادین و جنسی و در نهایت طراحی و برنامه‌نویسی ویژه را در تعاملات

درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند(که این‌ها نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و (ای بندگان بدانید) هر کس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان کرده زبانی آشکار(ترجمه الهی قمشه‌ای)، استفاده نمی‌شود و این خود دلیل بر عدم اراده این معنا از آیه کریمه است. این بخش از آیه شریفه در روایت جابر از امام باقر(ع)، گاهی به دین الهی و گاهی به فرمان الهی، تفسیر شده است (Farouk, 2017, 75-76). هر یک از این تعبیرات، نظیر دیگری است و همه این‌ها به پدیدآوردن بدعت‌ها در دین خدا بازگشت دارد. صدق تغییر آفرینش خدا بر ابداع، از این‌رو است که در حکم واقعی که خداوند مثلاً برای وجوب این کار قرار داده و وجوب آن، آفریده الهی به‌شمار می‌آید، ابداع‌کننده‌ای حکم وجوب آن را به استحباب تغییر و آن را به خداوند نسبت دهد. وی در حقیقت آفرینش خدا را به چیز دیگری تغییر داده است و در سایر بدعت‌ها نیز مطلب، همین‌گونه است. به هر ترتیب، توهم فوق کاملاً ضعیف است.

۵-۳. حکم فقهی انواع فرآیندهای شبیه‌سازی

امروزه در مجامع علمی، تقریباً شبیه‌سازی درمانی پذیرفته شده است و محل بحث و اختلاف‌آرا در شبیه‌سازی انسانی است. نکته ظریفی که در اینجا نهفته است این است که در پدیده‌ای چون شبیه‌سازی، فقیه از یک سو با پیامدهای فرضی و احتمالی مواجه است و از سوی دیگر، صدور حکم به تحریم، باعث محرومیت جامعه علمی و پژوهشی از ورود به این عرصه‌هاست که نتیجه آن محرومیت از دست‌یابی به این نوع دانش‌ها و فناوری‌هاست. از اینجاست که نقش زمان و مکان به‌عنوان یکی از لوازم حکم در اجتهاد مورد توجه قرار می‌گیرد. مجامع علمی اهل سنت، شبیه‌سازی درمانی را به‌دلیل اعتقاد به عدم حرمت از بین بردن جنین قبل از استقرار در رحم، جایز دانسته‌اند، اما کلیسای کاتولیک قاطعانه با هر دو نوع درمانی و انسانی مخالفت کرده است؛ چون ماهیت عمل را یکی می‌دانند و عقیده دارند این کار از قتل نفس و سقط جنین هم بدتر است (Erami, 2017, 101).

درک شوند خداوند را شایسته پرستش و نیایش می‌یابند و چون فهم و درک آن ویژگی‌ها یکسان و هم‌سطح از سوی انسان‌ها نیست، طبعاً عبودیت نیز مراتب و مراحل گوناگونی پیدا می‌کند (Inhorn, Tremayne, 2017, 1-3).

در شبیه‌سازی، پس از گرفتن هسته سلول و یا هر یک از سلول‌های به‌دست آمده از تکثیر تخمک لقاح‌یافته، چه بسا این توهم پیش آید که انجام کارهای بعدی مترتب بر هر یک از این سلول‌ها، برای دستیابی به پیکری جدید یا نوزادی مشابه صاحب هسته، یا نوزادان چند قلو، حرام خواهد بود؛ زیرا این قبیل کارها، وارد شدن و دخالت در اموری است که به‌دست خدای تبارک و تعالی و یا تغییر و تبدیل دادن آفرینش الهی است که شیطان ملعون به آدمیان فرمان می‌دهد تا آفرینش خدا را دگرگون سازند. بنابراین همه کارهای انجام پذیرفته، شرعاً حرام‌اند. چنین توهم و ذهنیتی، بسیار ضعیف است. باید گفت: کارهای یادشده، اموری غیر از حرکت‌های انسانی که خود و تمام حرکات و سکناش آفریده خدا و به‌دست توانای اوست، چیز دیگری نیست و سلول‌ها و هسته آن‌ها و همه چیزهایی که برای دست‌یابی به این نتایج از آن بهره‌گیری و استفاده می‌شود، همه آفریده‌های خدای متعال‌اند و ذات مقدسش، آفریدگار همه آن‌هاست و ویژگی‌ها و خواص هر یک را خدا به آن‌ها عطا فرموده است (Houot, 2017, 55-56). بنابر این جز آنچه خدا خواسته و به اراده اوست، کاری انجام نخواهد پذیرفت. همان‌طور که از آیات شریفه قرآن انعام ۱۰۲ و ۱۰۶ و ۱۶۴ به‌دست می‌آید؛ این کار تناقضی با خالقیت خداوند ندارد.

چگونه این امر را مخلوق خداوند به‌شمار نیاوریم که در غیر این صورت ایجاد ساختمان‌ها، کاشتن بذر برای روییدن گیاه و سبزه و درختان، بافتن پارچه و فرش، پختن غذاها و اموری از این دست که کارهایی معمولی‌اند نیز همه باید از مصادیق تغییر و تبدیل آفرینش الهی باشند تا چه رسد به ساختن صنایع به‌وسیله ابزار مدرن و پیشرفته! علاوه بر این حرمت چنین کارهایی از این آیه: *وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَ لَأْمَنِيْنَهُمْ وَ لَأْمَرْتَهُمْ فَلَیْتَنَّ اَذَانَ الْاَنْعَامِ وَ لَأْمَرْتَهُمْ فَلَیْغَیْرَنَّ خَلْقَ اللّٰهِ وَ مَنْ یَتَّخِذِ الشَّیْطَانَ وَّلِیًّا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِیْنًا* (نساء، ۱۱۹): و سخت گمراهشان کنم و به آرزو(های باطل و دور و دراز)

را حرام شمرده‌اند. از بررسی فتواهای مختلف فقهای شیعه می‌توان به چهار نظریهٔ زیر دست یافت:

۵-۴-۱. جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی

برخی از فقها و صاحب نظران به دلیل نبود نصی خاص و روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و به استناد قاعدهٔ (کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه) به استناد اصل اباحهٔ اصلیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند. برای مثال در برابر این پرسش که: آیا شبیه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفتهٔ علمی (کلوناز) جایز است؟ پاسخ برخی از فقها بدین شرح است: برخی از جمله سیدعلی سیستانی، آیت‌الله عزالدین زنجانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی معتقدند فی نفسه مانعی ندارد، مگر اینکه محرز شود توالی فاسد دارد. آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله سید محمدسعید حکیم بر این نظرند که اگرچه شبیه‌سازی در مورد انسان تا کنون به مرحلهٔ عمل نرسیده است، ولی دلیل قوی و محکمی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایش‌هایی وجود ندارد. آیت‌الله موسوی بجنوردی، آیت‌الله موسوی تبریزی، آیت‌الله صادق روحانی و آیت‌الله آصف محسنی و آیت‌الله عبدالله جوادی عاملی و آیت‌الله معرفت و آیت‌الله مومن، عبایی خراسانی و زنجانی و جناتی شبیه‌سازی انسانی را جایز می‌دانند. علامه فضل‌الله نیز نه تنها شبیه‌سازی انسانی را مغایر سنت خدا نمی‌داند، بلکه آن را گامی در جهت فهم عمیق‌تر سنت‌های نهان در هستی معرفی می‌کند. وی بر این نظر است که این مسئله نه از نظر اعتقادی مشکلی دارد و نه از نظر شرعی و فقهی، لیکن به‌طور طبیعی مانند هر مسئلهٔ تازه‌ای ممکن است ابهاماتی در فقه پدید آورد که نیازمند فهم و بررسی است. ایشان با دعوت به عقلانیت و پرهیز از تکفیر یکدیگر، تا جایی پیش رفت که گفت اگر علم قطعی با برخی از ظواهر دینی تعارض پیدا کرد، باید آن ظواهر را تأویل نمود (Naef, 2017, 168-169). گفتنی است که وی در گفت‌وگوهای مختلفی بر ضرورت درنگ در این مسئله و پرهیز از شتاب‌زدگی در صدور حکم و تلاش برای به‌دست آوردن تقریر درستی از ماهیت شبیه‌سازی تأکید می‌کند و حتی از برخی از یاران خود در اروپا می‌خواهد تا اطلاعات دقیقی در

از نظر فقهی می‌شود بین این دو فرق گذاشت؛ چون موانع و محذورهایی که سبب شده فقهای اهل سنت تقریباً به اجماع حکم به حرمت کنند و نیز فقهای شیعه قائل به حرمت شوند، در شبیه‌سازی انسانی است و در شبیه‌سازی درمانی به هیچ‌وجه جای توهمی چون اختلال نظام نیست؛ بلکه به عکس، موجب تقویت و تحکیم بنیان نظام بشری هم می‌شود. بشر می‌خواهد زنده بماند و نیاز به کبد و کلیه و اعضا و جوارح دیگر دارد که از راه شبیه‌سازی به‌خوبی می‌تواند به این هدف دست یابد. اما اینکه کاتولیک‌ها هر دو را به دلیل ماهیت واحدشان ممنوع کرده‌اند، قابل نقد و مناقشه است؛ به دلیل اینکه خیلی از امور ماهیت واحد و مشترک دارند، اما چون نتایج مترتب بر هر کدام متفاوت است، حکمشان هم یکسان نیست (Tappan, 2017, 107-108).

در تحف‌العقول روایتی است که شیخ انصاری در مکاسب آن را آورده است و علاوه بر ایشان، بزرگانی مانند: مرحوم نائینی، صاحب جواهر و سید یزدی هم به این روایت عمل کرده‌اند. در این روایت چنین مضمونی آمده که: (مایحی من الفساده یا أوشی فیهِ وَجَهٌ مِنْ وَجُوهِ الْفِسَادِ). گرچه با تصحیح سند ما به این روایت تعبد داریم، ولی وقتی به آن می‌نگریم، می‌فهمیم که این امری عقلایی است. از دید عقلا هرگاه بر چیزی فساد مترتب باشد و دیگری چنین نباشد، حکم‌شان هم متفاوت است؛ ولو ماهیت آن‌ها یکی باشد (Tremayne, 2017, 141-140). طبق این روایت اگر کاری (یأتی من الفساده) باشد - یعنی مقدمه آن یا خود فعل مصداق فساد باشد - با کاری که مصداق فساد نیست، تفاوت زیادی دارد. بنابراین، هم از دید فقهی هم از دید عقلایی نتایج مترتب بر فعل، کاملاً در مقبول یا مردود بودن آن عمل مؤثر است.

۵-۴. دیدگاه فقهای شیعه در خصوص انواع همسان‌سازی

دربارهٔ حکم شبیه‌سازی انسانی، در میان فقهای شیعه اتفاق نظر وجود ندارد؛ آنان دربارهٔ شبیه‌سازی انسانی نظریات متفاوت و گاه متضادی اتخاذ کرده و فتواهای مختلفی صادر کرده‌اند. درحالی‌که برخی آن را کاملاً مجاز و برخی دیگر آن

مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر، در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده‌اند و آن را در سطح کلان غیر مجاز شمرده‌اند. از این منظر شبیه‌سازی انسانی تنها به‌گونه‌ای موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است. استاد حسن جواهری این نظر را مطرح کرده‌اند که شبیه‌سازی فی‌نفسه و به‌عنوان اولی، اشکالی ندارد، به شرط آنکه همراه با عمل حرام دیگری نباشد؛ اما اگر این کار در سطح وسیعی صورت گیرد و بر اثر تشابه تام موجب اختلال نظام گردد، حرام خواهد بود. باین‌همه، به نظر وی این کار در سطح فردی اشکالی ندارد و نیازی به قول به حرمت مطلق نیست. ایشان نه‌تنها این کار را در سطح فردی مجاز می‌شمارد، بلکه ادعای حرام بودن آن را حرام می‌داند؛ یعنی کسی حق ندارد، امری مشروع را حرام بشمارد و بی‌دلیل فتوا به حرمت آن دهد؛ زیرا این کار نوعی تشریح خلاف شرع و مشمول این نهی خداوند است که در سوره نحل، آیه ۱۱۶ می‌فرماید: *وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَی اللَّهِ الْكُذِبَ...* در نتیجه از نظر ایشان، هرچند این کار حلال است، اما ولی فقیه می‌تواند اینکار را بنا به مصالحی و به‌عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند. در این صورت، این حرمت موقت و قابل رفع است. وی آن‌گاه به این پرسش که آیا شبیه‌سازی نقض کرامت انسان نیست؟ پاسخ می‌دهد که: کرامت خدادادی همان قدرت تعقل و رشد و طی مدارج کمال است و این کار نقض کرامت به‌شمار نمی‌رود. هم‌چنین این پرسش را مطرح می‌کند که آیا منع شبیه‌سازی انسانی، به‌معنای منع حق انتخاب افراد در نحوه تولید مثل نیست؟ و پاسخ می‌دهد که: اگر شبیه‌سازی را به‌طور مطلق منع کنیم، این کار مانع حق انتخاب افراد خواهد بود. اما منع فی‌الجمله محدود آن و برای افرادی خاص، مانع اصل حق انتخاب در نحوه تولید مثل نمی‌گردد (Clarke, 2017, 270-271). بنابراین دیدگاه دوم آن است که شبیه‌سازی انسانی در سطح محدود مجاز است و در سطح کلان می‌تواند حرام باشد.

این زمینه برای او فراهم کنند. سید محمدسعید حکیم، بر این نظر است که شبیه‌سازی انسانی مباح است دلیلی بر حرمت آن نیست. وی در پاسخ به استفتایی در این‌باره، به تفصیل نظر خود را بیان می‌دارد. از این منظر شبیه‌سازی انسانی نوعی به‌کارگیری سنت‌ها و قوانین الهی است که کشف و کار بست آن‌ها بیانگر قدرت عظیم خداوند به‌شمار می‌رود؛ در نتیجه، این کار در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نشود، مجاز و مباح است. ایشان نه‌تنها این کار را مجاز می‌شمارد، بلکه یکایک دلایلی را که بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه شده است، به نقد می‌کشد و آن‌ها را برای اثبات حرمت ناکافی می‌داند. آقای موسوی‌سبزواری نیز به تحلیل حکم شرعی این مسئله پرداخته و شقوق ممکن را برشمرده است. از نظر وی شبیه‌سازی انسانی منطقیاً دو حالت می‌تواند داشته باشد: یکم: حرمت ذاتی؛ یعنی به‌دلیل آنکه این کار دخالت در کار خداوند یا دستکاری ژنتیکی به‌شمار می‌رود، آن را ذاتاً حرام بشماریم. دوم: حرمت تشریحی؛ مانند حرمت زنا و شرب خمر. سوم: حرمت به استناد دلایل ثانوی. از این منظر ممکن است که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه مباح باشد اما دلایل دیگری موجب تحریم ثانوی آن شود. وی پس از نقل نقد این دیدگاه‌ها، نظر می‌دهد که شبیه‌سازی انسانی با قطع نظر از مسائل دیگر مباح است و در حقیقت به‌کارگیری قوانین و سنن الهی که در نهاد موجودات نهاده است، به‌شمار می‌رود از این منظر ادعای تحریم این کار نیازمند دلیل است؛ حال آنکه ادعای جواز موافق اصل است و قائل به آن ملزم به ارائه دلیل نیست. سیدمحمد شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی که در سال ۱۹۹۶ درباره امکان شبیه‌سازی انسانی از ایشان شد پاسخ داد اصل جواز است، مگر اینکه محذور شرعی داشته باشد (Saniei, 2017, 201-202). بدین‌ترتیب از نظر برخی از عالمان شیعه، شبیه‌سازی انسانی طبق اصل اولی و در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نباشد، جایز است.

۵-۴-۲. جواز محدود شبیه‌سازی انسانی

۵-۴-۳. حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی

برخی از فقهای شیعه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه و به‌عنوان اولیه اشکالی ندارد و به استناد اصالة الاباحه،

برخی بر اساس نصوص موجود و به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد؛

بینجامد، شبیه‌سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه‌سازی به شکلی نادر که به مفاسدی از این قبیل نینجامد حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد» (پیشدست، ۱۳۹۹، ۳۴-۳۶).

آیت‌الله فاضل در مورد شبیه‌سازی که منجر به تولید جنین می‌شود، می‌فرماید: برای تبعات بعدی آن محذوریت پیش نمی‌آید، ولی این موضوع نیازمند تحلیل بیشتری است؛ چون که فقها اسقاط جنین را قبل از ولوج روح حرام می‌دانند؛ البته حرمت قتل را ندارد. این حرمت، شبیه حرمت تشریح است که برخی فقها به آن فتوا داده‌اند، ولی حرمتش را به اندازه حرمت قتل نفس ندانسته‌اند؛ اما پس از ولوج روح، حرمت شدیدتر می‌شود و دیه دارد و هرچه مدت بیشتری بگذرد، دیه‌اش بالاتر می‌رود و حرمتش هم بیشتر می‌شود؛ چون دیه نشانه حرمت در نزد شارع است. ایشان در جای دیگر بیان می‌دارد که اگر شبیه‌سازی درمانی به این معنا باشد، هم ادله و هم فتاوا دلالت می‌کنند که اگر نطفه در رحم استقرار یابد، ولو یک‌روزه باشد، از بین بردن آن حرام است؛ حتی در روایت معتبری به صراحت تعبیر شده است که: «لأنها قتلته» با وجود این، آنچه گفته شد به‌عنوان دیدگاه اولیه و اجمالی است، نه نظریه و حکم قطعی؛ چون تمام این مباحث در جایی است که کسی بخواهد نطفه را به‌طور کلی از بین ببرد (ملائی ایولی، ۱۳۹۹، ۷۴-۷۷). اما اگر شبیه‌سازی درمانی به گونه‌ای باشد که سلول ملقح را بخواهند تبدیل کنند، این دیگر انهدام و از بین بردن نطفه نیست؛ بلکه تبدیل شدن به سلول دیگر است. آن‌گاه شاید شبیه‌سازی درمانی از شمول روایات خارج شود. آیت‌الله سیدصادق شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی درباره مشروعیت این کار می‌گوید که شبیه‌سازی فی‌نفسه کشفی علمی و مجاز است، لیکن از آنجا که مستلزم امور غیر جایزی مانند اختلال نظام طبیعی و وجود محذور شرعی است، عدم جواز به آن سرایت می‌کند و حرام می‌گردد. در نتیجه فعلاً و در چارچوب شرایط معاصر، جایز نیست، والله العالم. سرانجام آیت‌الله مکارم شیرازی می‌کوشد از همین دیدگاه با استدلال بیشتر و مفصل‌تری دفاع کند. ایشان در استفتایی به این مسئله

جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این‌رو، برای پیش‌گیری از این مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان ثانوی حرام به‌شمار می‌رود. آقایان سیدکاظم حائری، سیدصادق شیرازی و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از این نظر حمایت می‌کنند. سیدکاظم حائری درباره شبیه‌سازی انسانی بر این نظر است که نفس این کار اگر موفقیت‌آمیز باشد و با عمل حرامی همراه نگردد، به‌عنوان اولی جایز است، لیکن از آیه شریفه: (و من آیاته ... اختلاف السننکم و الوانکم)، درمی‌یابیم که حکمت خداوند برای حفظ نظام بر اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها جریان یافته است و از آنجا که این شبیه‌سازی در صورتی که به شکلی وسیع به‌کار گرفته شود به دلیل نبود امکان بازشناسی خریدار از فروشنده، خواهان از خواننده در دعوی، ستمگر از ستمدیده و مانند آن در عقود، ایقاعات و جنایات غیره، حتماً به اختلال نظام می‌انجامد، پس لازم می‌آید که به سبب این لازمه باطل، این کار در سطح وسیع آن تحریم شود (غلامعلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۰۱-۳۰۳).

تحلیل صدر و ذیل نحوه استدلال، این تصور را تقویت می‌کند که ایشان شبیه‌سازی انسانی را در سطح فردی و محدود می‌پذیرد و تنها آن را در سطح کلان حرام می‌داند. در این صورت، این دیدگاه به دیدگاه قبلی ملحق می‌شود، لیکن از آنجا که تصریحی بر جواز آن به‌صورت فردی در این سخن دیده نمی‌شود، می‌توان احتمال داد که ایشان به دلیل آن لوازم فاسد، شبیه‌سازی انسانی را حتی در سطح فردی حرام می‌داند، به‌خصوص آنکه گردآورندگان این استفتائات، پس از نقل نظر ایشان و نقل نظر آیت‌الله جواد تبریزی که قائل به حرمت است، نظر آن دو را یکی می‌دانند و آن‌ها را چنین جمع‌بندی می‌کنند: «شبیه‌سازی به‌عنوان اولی جایز است، ولی با عناوین ثانوی و آثار سوء مترتب بر این کار، حرام می‌گردد» البته فتوای دیگری از ایشان در دست است که در آن این قطعیت و تأکید بر مفاسد حتمی شبیه‌سازی انسانی وجود ندارد و حکم مسئله به‌گونه‌ای مشروط بیان و حتی شبیه‌سازی انسانی در موارد نادر مجاز شمرده شده است. ایشان در پاسخ به استفتایی درباره مسائل شبیه‌سازی چنین می‌فرماید: «اگر شبیه‌سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستمدیده و محرم از نامحرم و وارث از غیر وارث و غیر آن

چنین پاسخ می‌دهد: در آنجایی که منجر به مفسد اخلاقی و اجتماعی می‌شود، جایز نیست.

هم‌چنین هنگام پرسش از جواز شبیه‌سازی انسانی، پاسخ می‌دهد که «این کار جایز نیست و مفسد زیادی دارد. اطلاعاتی که اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد که کسانی که از طریق شبیه‌سازی به‌وجود می‌آیند در معرض ناهنجاری‌های جسمی شدیدی هستند، مانند کمبود کلیه‌ها و نیمی از مغز و امثال آن». این پاسخ می‌تواند هم به‌معنای تحریم به‌عنوان حکم اولی باشد و هم حکم ثانوی، لیکن مبنای ایشان در جاهای دیگر روشن است. در مورد دیگری استفتایی به این شرح از ایشان شده است: آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) انسان، با توجه به پیامدهایی از قبیل احتمال ابتلا به بیماری‌های پیش‌بینی نشده و بروز آثار سوء روانی-عاطفی بر انسان‌های کلون شده و به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف نقش پدر و جایگاه نامشخص نوزاد کلون شده در خانواده و به هم خوردن اصل واحد بودن انسان و از دست رفتن حق آزادی انتخاب (اتفاقی) و کاهش تنوع ژنتیکی انسان‌ها در درازمدت تردید در روح داشتن انسان کلون شده، جایز است؟ (دهمین سؤال از مجموعه استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲، موجود در دفتر ایشان). ایشان در جواب این استفتا می‌نویسد: این کار ذاتاً از نظر شرع اشکالی ندارد، ولی با توجه به مشکلات جنسی که به بار می‌آورد و جامعه انسانی را مواجه با ناهنجاری‌هایی می‌سازد که بر اهل خیره پوشیده نیست، انجام آن خالی از اشکال نیست. به همین جهت، حتی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند، به‌خاطر مفسد مختلف آن، به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در بعضی از کشورها مجازات‌های سنگینی برای آن قائل شده‌اند (پاسخ به استفتای مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۲ در مجموعه دوازده استفتا موجود در دفتر ایشان). اما در اینجا به نظر می‌رسد که ایشان از حکم به تحریم خودداری و تنها به آوردن احتیاطی بسنده کرده است. با وجود این، ایشان به-گونه‌ای اجتهادی این مسئله را در درس خارج خود طرح و دلایل خویش را بیان داشته است. در این درس، ایشان چند مسئله را پیش می‌کشند: نخست توضیح مکانیزم و فرایند این کار؛ دیگری حکم شرعی شبیه‌سازی؛ سوم نقد دلائل حرمت شبیه‌سازی و چهارم بررسی احکام شرعی یا وضعی شخص

شبیه‌سازی شده. درباره حکم شرعی شبیه‌سازی یا جواز و حرمت اصل این عمل، به نظر ایشان: «این مسئله از سه جهت قابل بررسی است: ۱. از نظر لوازم و عوارض؛ ۲. عنوان اولی؛ ۳. عنوان ثانوی». در مورد جهت اول، به نظر ایشان این کار مستلزم انجام محرماتی مانند لمس و نظر حرام است، مگر آنکه مجری این کار شوهر باشد که فرض نادری است. درباره جهت دوم، به نظر ایشان: اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت و اجماع و دلیل عقلی بر حرمت (شبیه‌سازی) نداریم و از مسائل مستحدثه است. درباره جهت سوم بحث، ایشان برای شبیه‌سازی، برخی از مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی ناپذیرفتنی را یاد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که از نظر عناوین ثانویه، این کار برای جامعه بشری خطرناک است. لذا تمام اقوام و ملل جهان آن را خلاف مسائل اخلاقی می‌دانند و حتی بسیاری از دولت‌ها با تصویب قانون، این کار را ممنوع دانسته‌اند. آنگاه ایشان بحث خود را چنین جمع‌بندی می‌کند: شبیه‌سازی از نظر حکم شرعی به‌عنوان اولی مشمول اصل اباحه است؛ چون آیه و روایت، دلیل عقلی و اجماعی بر حرمت نداریم. پس سرانجام آنکه: شبیه‌سازی به‌عنوان اولی مشمول اصل اباحه است؛ ولی به‌عنوان ثانوی، حرام است (مختاری و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۱-۴۹).

آیت‌الله صانعی نیز که از فائلان به حرمت شبیه‌سازی انسانی است، هرچند تصریحی به حکم اولی یا ثانوی بودن حرمت این کار ندارد، لیکن فتوای خود را به‌گونه‌ای سامان داده است که گویای حرمت ثانوی آن است. از نظر ایشان شبیه‌سازی انسانی در حال حاضر قطعاً حرام است؛ زیرا شناخت افراد از یکدیگر مشکل و قوانین حقوقی دچار اشکال می‌شود و در زمینه نسب، ازدواج و تقسیم ارث مشکلاتی به‌وجود می‌آید. در نتیجه از نظر ایشان باید با این کار مقابله کرد و مانع انجام آن شد. البته ایشان در فتوای دیگری با تأکید بر مشکلات این کار و مخالفت با آن، شبیه‌سازی انسانی را در موارد نادر و ضرورت‌های شدید که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است (راضی و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۸۴-۲۹۶). بدین ترتیب، سومین دیدگاه در میان شیعه، شبیه‌سازی را به‌عنوان اولی حلال و به‌عنوان ثانوی حرام می‌شمارد.

۵-۴-۴. حرمت اولی شبهه‌سازی انسانی

در برابر سه نگرش فوق که در نهایت اصل شبهه‌سازی انسانی را به‌عنوان اولی مجاز می‌شمردند و تنها در دامنه یا حکم ثانوی آن تفاوت داشتند، نگرش چهارم اساساً شبهه‌سازی انسانی را به‌عنوان فعلی که فی‌نفسه حرام است، معرفی می‌کند و آن را به‌عنوان اولی نامشروع می‌داند. البته این نگرش طرفداران اندکی دارد و دلایل چندانی به سود آن اقامه نشده است. از قائلان به این نگرش می‌توان آیت‌الله تبریزی را نام برد. ایشان در پاسخ به این استفتا که آیا مشابه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟ به اختصار پاسخ می‌دهند: جایز نیست. ایشان در جای دیگری به تفصیل نظر دلایل خود را چنین بیان می‌کند: شبهه‌سازی انسانی جایز نیست؛ زیرا تمایز و تفاوت میان ابنای بشر، ضرورتی است برای جوامع انسانی و مقتضای حکمت خدای سبحان است. خدای تعالی می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافَ السِّنِّ وَالْوَالِدَاتِ. هم‌چنین می‌فرماید: وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ زیرا نظام عام بر آن متوقف است؛ درحالی‌که شبهه‌سازی انسانی، افزون بر آنکه مستلزم محرمات دیگری مانند مباشرت ناهمجنس و نظر بر عورت است، موجب اختلال نظام و هرج‌ومرج است؛ در نتیجه، در نکاح امر میان زوجه و زن اجنبی و محرم و نامحرم خلط می‌شود و در همه معاملات امکان بازشناسی میان طرفین وجود نخواهد داشت و نمی‌توان قابل را از موجب شناخت (سبزواری و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۶۷-۱۷۱).

علامه محمد مهدی شمس‌الدین هم‌زمان با اعلام مجاز بودن این کار به‌وسیله علامه فضل‌الله، و درست برخلاف نظر او، آن را حرام شمرد و مجله الشراعی طی مقاله‌ای با عنوان «حلال و حرام بین السید و الامام» به تفاوت جوهری دیدگاه این دو پرداخت. وی نه‌تنها شبهه‌سازی انسانی را حرام شمرد، بلکه اجرای شبهه‌سازی در عرصه حیوانات را نیز نامشروع دانست و گفت: «در مقام فتوادادن درباره شبهه‌سازی، اجرای این عمل بر حیوانات مطلقاً حرام است» و در ادامه این فتوا، وی بر حرمت قطعی و مطلق شبهه‌سازی انسانی تأکید نمود. البته موضع وی در قبال شبهه‌سازی حیوانی ظاهراً متغیر بود و به‌گونه روشنی موضع خود را مشخص نمی‌کرد. برای مثال یک صفحه پس از

تأکید بر حرمت شبهه‌سازی حیوانی، چنین نوشت: شبهه‌سازی انسانی قطعاً و یقیناً نامشروع است و در مجال حیوانی، مسئله‌ای است که باید درباره‌اش بحث شود، ولی به‌گونه‌ای به خودی خود مشروعیت آن را اثبات نمی‌کنیم. وی در گفت‌وگویی با مجله الشراعی، دلیل اصلی تحریم شبهه‌سازی انسانی را تسلط نداشتن انسان بر جسد خود دانست. وی مدعی شد که خداوند بشر را آفریده و در او سرّ خود را نهاده است. در نتیجه، بنده حق ندارد برخی از ویژگی‌های طبیعی موجود را به هم بزند. این کار حرام است و دلیل بر این تحریم، این اصل است که انسان مالک مطلق جسد خود نیست و جز در حدودی که شرع تعیین کرده است، حق تصرف در آن را ندارد. در نتیجه، به طریق اولی انسان حق تصرف در جسد دیگران را به هیچ صورتی ندارد. ایشان، آنگاه به آیه تغییر خلق و عهد شیطان اشاره کرده، نتیجه می‌گیرد که این آیه دلیل بر حرمت شبهه‌سازی انسانی و گویای عدم تسلط فرد بر جسم خویش است و مفسران همه فرق و مذاهب در تفسیر این آیه گفته‌اند که تغییر خلق شما، هرگونه تغییری است که موجب دگرگونی و تغییر خلقت شود؛ به‌گونه‌ای که با فطرت در جسد انسان سازگار نباشد و عملی که مغایر فطرت خداوند باشد، به‌معنای کفر است. وی همین دلایل و شکل استدلال را در مقاله خود پیش می‌کشد و دنبال می‌کند (راضی و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۹۱-۳۰۱). بدین ترتیب، چهارمین دیدگاه در میان شیعه، مخالفت با شبهه‌سازی انسانی و تحریم این کار به‌عنوان اولی آن است. استدلال به آیه تغییر خلق و استناد به اصل عدم ملکیت انسان بر جسد خویش و در نتیجه حاکمیت اصالة الحظر در برابر اصالة الاباحه به‌معنای حرمت ذاتی و به‌عنوان اولی شبهه‌سازی انسانی است. در نتیجه نمی‌توان این دیدگاه را به دیدگاه سوم تحویل برد و گفت که این نوع مخالفت نیز به‌عنوان حکم ثانوی است.

۶. نتیجه‌گیری

انواع فرآیندهای همسان‌سازی مصنوعی با توجه به آنکه امری نوپا و جدید هستند و در اصطلاح مستحدثه شناخته می‌شوند با هیچ‌یک از مصادیق معروف و موجود قبلی چون سقط جنین، زنا، مساحقه، نزدیکی به شبهه، جزعاً یا کلاً قابلیت انطباق

به نظر می‌رسد با استظهار از اصالة الاباحه در اصول فقه شیعی، حکم شبیه‌سازی را تز منظر عناوین اولیه بتوان مشمول اباحه دانست؛ چون هیچ دلیلی از منابع اربعه احکام، مبنی بر حرمت شبیه‌سازی وجود ندارد و این نظر تقریباً با فتوای اکثر فقهای معاصر یکسان است. هم‌چنین از منظر عنوان ثانوی می‌توان قائل به جواز شد، چون هیچ دلیل قانع‌کننده و اطمینان‌بخشی بر حرمت آن نمی‌توان یافت. بنابراین با توجه به پیشرفت فناوری و ابداعات علمی و با توجه به توسعه و تنوع نیازهای انسان در جامعه کنونی، پذیرش حکم اباحه با فروض مطرح‌شده در مسئله نشان از پویایی فقه سلامی در همه عصرها دارد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

ندارند. بنابراین با منطوق مخالف چنین مستفاد و نتیجه می‌شود که چون هیچ حکم تکلیفی تحریمی مربوط به این مصادیق بر این اعمال نوین جاری نیست و با استظهار اصالت الاباحه، این امور نوین، مجاز و مباح و مشروع است.

انواع فرآیندهای همسان‌سازی اعم از تحقیقی (پژوهشی) درمانی و تکثیری، اساساً خلقت تلقی نمی‌شود و نوعی صنعت آزمایشگاهی محسوب می‌شود و بر خلاف ادعاهای برخی دین‌گرایان و کلیسای کاتولیک و دیدگاه فقهای عامه و دانشمندان اخلاق‌گرا هیچ دخالتی مستقیم یا غیر مستقیم در مشیت امرانه واجب‌الوجود تلقی نیست؛ زیرا خلق و خلقت منحصر است به هستی بخشیدن به عدم که مختص ذات احدیت است و در این فرآیندهای مصنوعی و آزمایشگاهی صرفاً یکی از مخلوقات هستی (انسان و فاعلی که اقدام همسان‌سازی را در آزمایشگاه انجام می‌دهد) بنابر تصمیم، مشیت و راهنمایی الهی اقداماتی اندک انجام می‌دهد که همانند سایر مصنوعات مثل ساختن کامپیوتر و ماشین‌های مدرن اقدامی است غیر مداخله‌جویانه و غیر خلاقانه و صرفاً نوعی صنعت تلقی می‌شود و همچنان برای چنین مصنوعاتی سبب تامه همان خالق هستی است. ضمن آنکه قرار است بشر جانشین خدا در زمین و اشرف مخلوقات باشد و برای نیل و رسیدن به این هدف متعالی و آن غایت واقعی و بر مبنای مشیت الهی باید بکوشد باید تحقیق و پژوهش کند باید بیاموزد و از زبان‌های خود و بقیه مخلوقات بکاهد و در راستای ارتقا و تعالی و سودآوری همه جانبه به همه خلائق کوشا باشد و به شرحی که گذشت، این اهداف متعالی در این علوم نوین (انواع فرآیندهای همسان‌سازی) موجود است.

عالمان شیعه در برابر شبیه‌سازی انسانی چهار موضع متفاوت اتخاذ کرده‌اند: برخی آن را مطلقاً جایز می‌دانند؛ حال آنکه برخی دیگر آن را تنها در سطح فردی و به‌گونه‌ای محدود مجاز می‌شمارند. گروه سوم آن را به‌عنوان اولی جایز و به‌دلیل مفاسدی که این کار در پی دارد، به‌عنوان ثانوی حرام می‌دانند. گروه چهارم اصل این عمل را به‌عنوان اولی حرام می‌شمارند و برای اثبات نظر خود به آیه تغییر خلق الله و عدم ملکیت انسان بر جسم خود استناد می‌کنند.

منابع

فارسی

Erami, Narges, From Sperm Donation to Stem Cells: The Iranian ART Revolution. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 100-102.

Farouk, Mahmoud, Controversies in Islamic Evaluation of Assisted Reproductive Technologies. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 70-98.

Houot, Sandra, Islamic Jurisprudence (Fiqh) and Assisted Reproduction: Establishing Limits to Avoid Social Disorder. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 53-69.

Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017.

Johns, Charles William, Neurosis and Assimilation: Contemporary Revisions on The Life of the Concept. London: Springer; 2016.

Loike, John, Science-Based Bioethics. London: LuLu; 2018.

Naef, Shirin Garmaroudi, Gestational Surrogacy in Iran: Uterine Kinship in Shia Thought and Practice. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 157-193.

Saadeldin, Islam M. Advances in Assisted Reproduction Technologies. London: Bentham Science Publishers; 2022.

Saniei, Mansooreh, Human Embryonic Stem Cell Research in Iran: The Significance of the

پیشدست، حسنیه، «احکام فقهی و حقوقی مترتب بر استفاده از سلول‌های بنیادی و DNA به‌منظور شبیه‌سازی و تغییرات ژنتیکی در انسان»، مجلهٔ قانون‌یار، شمارهٔ ۱۵، ۳۱-۵۰، ۱۳۹۹.

راضی، مهدی؛ خلیفه‌پور میانجی، مریم، «مطالعهٔ تطبیقی شبیه‌سازی انسان از منظر فقه شیعه و اهل سنت»، مجلهٔ تحقیقات حقوقی، شمارهٔ ۷۱، ۲۷۹-۳۰۸، ۱۳۹۴.

سبزواری، علی؛ نظری، فاطمه، «دیدگاه فقهای شیعه در مورد شبیه‌سازی انسانی»، مجلهٔ طالع‌ت‌فقه امامیه، شمارهٔ ۱۰، ۱۸۴-۱۶۱، ۱۳۹۷.

غلامعلی‌زاده، محمد؛ حسین‌آبادی، فاطمه؛ اسمعیلی، علی-اکبر، «تبیین پیامدهای اخلاقی حکم فقهی و حقوقی شبیه‌سازی انسانی»، مجلهٔ جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شمارهٔ ۲۱، ۳۱۳-۲۹۰، ۱۴۰۱.

مختاری، محمدحسین؛ آقامحمدی، مرتضی، «بررسی آرای فقهی فریقین در مسائل اجتماعی شبیه‌سازی انسان»، مجلهٔ فقه مقارن، شمارهٔ ۱۲، ۳۹-۵۶، ۱۳۹۷.

ملائی ایولی، محمد؛ محمدی لائینی، محمدباقر؛ غلامی، شیرزاد، «ارزیابی ادلهٔ کلامی بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان»، مجلهٔ دین و سلامت، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱، ۶۹-۷۷، ۱۳۹۹.

انگلیسی

Bagheri, Alireza, Al-ali, Khalid Abdulla, Islamic Bioethics: Current Issues and Challenges. London: World Scientific; 2017.

Clarke, Morgan, Islamic Bioethics and Religious Politics in Lebanon: On Hizbullah and ARTs. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 261-284.

Islamic Context. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 194-218.

Tappan, Robert, More Than Fatwas: Ethical Decision Making in Iranian Fertility Clinics. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 103-129.

Tremayne, Soraya, The “Down Side” of Gamete Donation: Challenging “Happy Family” Rhetoric in Iran. In: Inhorn, Marcia C., Tremayne, Soraya, Islam and Assisted Reproductive Technologies: Sunni and Shia Perspectives. London: Berghahn Books; 2017. Pp. 130-156.

Velichko A. A., Vasil'ev S. A., Kotlyakov V.M. Human Colonization of the Arctic: The Interaction Between Early Migration and the Paleoenvironment. London: Elsevier Science; 2017.

Verskin, Sara, Barren Women: Religion and Medicine in the Medieval Middle East. London: De Gruyter; 2020.